

بودجه دولت

چرا دولت‌ها اقدام به تنظیم بودجه می‌کنند؟

در جوامع مختلف، دولت‌ها درآمدهای خود را از منابع گوناگون کسب می‌کنند. میزان درآمدهای حاصل از این منابع در شرایط مختلف، متفاوت است. در مقابل، اداره جامعه نیز هزینه‌هایی به همراه دارد که میزان این هزینه‌ها هم در شرایط مختلف متفاوت است. از عوامل اصلی تعیین‌کننده هزینه‌های دولت، میزان درآمد آن است. دولت‌ها با توجه به منابع درآمد و هزینه‌ها به برنامه‌ای نیاز دارند که با پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های موجود، انجام امور کشور را ممکن سازد. هماهنگ کردن درآمدها و هزینه‌های عمومی به وسیله بودجه انجام می‌گیرد.

تعریف بودجه

بودجه سندی است که در یک طرف آن، مخارج عمومی به‌طور دقیق تعیین و طبقه‌بندی شده‌اند و در طرف دیگر آن، درآمدهای عمومی که برای تأمین این مخارج باید وصول شوند، مشخص گردیده است.

مخارج و درآمدهای عمومی پیش‌بینی شده در بودجه مربوط به یک دوره زمانی

مشخص است که معمولاً یک سال مالی است. وصول درآمدهای عمومی و پرداخت مخارج عمومی، برای اجرای عملیات مشخص و به منظور نیل به اهداف معین است. برای مثال، هدف از ساختن مدرسه دست‌یابی به اهداف آموزش جامعه است.

علاوه بر آنچه گفته شد، برای اینکه سندی بودجه‌نامه‌شده شود، باید ضمن برخورداری از قدرت اجرایی با ارقام مصوّب در بودجه مطابقت داشته باشد. بنابراین، بودجه را می‌توان چنین تعریف کرد:

«بودجه سندی است شامل پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های عمومی طی یک سال که با قدرت اجرایی مشخص و عملیات معین در جهت رسیدن به اهداف تعیین شده تنظیم می‌شود.»

بودجه در حقیقت مهم‌ترین و اساسی‌ترین سند در دستگاه مالی و اداری کشور است. این سند در بردارنده درآمدها و هزینه‌های یک سازمان، وزارتخانه یا کل کشور است که برای یک دوره مشخص (معمولاً یک سال) پیش‌بینی شده و به تصویب مجلس مقننه رسیده است. بدین ترتیب، برخلاف سایر صورت حساب‌ها که از دفاتر و اسناد استخراج می‌گردد و به مخارج هزینه شده یا درآمدهای وصول شده مربوط می‌شود، بودجه یک سند پیش‌بینی و یک برنامه کار برای آینده است. ارقام بودجه به طور تخمینی تعیین می‌شوند و پس از گذشت یک سال، تفاوت ارقام پیش‌بینی شده با مخارج واقعی برآورد می‌گردد و درآمدهای واقعی وصول شده مشخص می‌شوند.

اهمیت بودجه کل کشور

اهمیت بودجه ملی و نقش آن در سازمان مالی و اداری کشور بسیار قابل توجه است. بعضی از کارکردهای بودجه عبارت‌اند از:

الف) ارزیابی اهداف: اهداف دستگاه اداری یک کشور به وسیله بودجه ارزیابی می‌شود. با توجه به اینکه دستگاه‌های مالی درآمد محدودی دارند و هدف‌های متعددی برای مصرف این درآمدها وجود دارد، بودجه می‌تواند بیانگر ارزش نسبی اهداف تعیین

شده باشد. برای مثال، برخی اهداف دولت عبارت‌اند از: تأمین دفاع ملی، حفظ امنیت داخلی، تأمین عدالت اجتماعی، توسعه فرهنگ عمومی و ...

درآمد محدود دولت برای تحقق بخشیدن به همه اهداف دستگاه اداری کافی نیست، بنابراین، سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور وظیفه دارد این درآمد محدود را بین دستگاه‌های مختلف به گونه‌ای تقسیم کند که از آن برای نیل به اهداف دولت حداکثر استفاده به عمل آید. این مهم از طریق تنظیم بودجه امکان‌پذیر است؛ زیرا بودجه یک برنامه مالی است که طرز تقسیم وجوه عمومی را بین احتیاجات متنوع دستگاه‌های اداری کشور تعیین می‌کند. (ب) هماهنگ ساختن نظریات: هدف دیگر از تنظیم بودجه، هماهنگ کردن نظریات و تصمیمات متصدیان امور در مورد برنامه اداره کشور است؛ زیرا طبیعتاً در مورد بهترین ترتیب مصرف کردن وجوه عمومی برای تحقق بخشیدن به اهداف، عقاید متفاوتی وجود دارد؛ مثلاً ممکن است عده‌ای معتقد باشند که طرز مصرف صحیح وجوه عمومی این است که ۵ درصد آن به فرهنگ اختصاص یابد و بعضی دیگر ممکن است این رقم را ناکافی بدانند. همچنین ممکن است بعضی ساختن سد و بندر را مقدم بر کشاورزی و توسعه صنایع بدانند و بعضی خلاف این نظر را داشته باشند. به توافق رسیدن در این امور به وسیله بودجه و بحث درباره آن، در مجلس انجام می‌شود. البته زمانی که لایحه بودجه به تصویب می‌رسد و صورت قانونی پیدا می‌کند، حتی کسانی هم که با طرز تقسیم وجوه عمومی پیش‌بینی شده در آن موافق نیستند، خود را به پیروی از اصول ذکر شده در بودجه و اجرای آن مکلف می‌دانند.

(پ) کسب مجوز قانونی برای دولت: با تصویب بودجه، به دولت اجازه داده می‌شود که از راه‌های پیش‌بینی شده در بودجه درآمدهایی را وصول کند و هزینه‌هایی را پردازد. این امر از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا، هرگاه مجلس با یکی از پیشنهادهای دولت موافق نباشد، بهترین و مؤثرترین وسیله برای جلوگیری از اجرای برنامه پیشنهادی، تصویب نکردن بودجه آن است. در این صورت، دولت از مجوز قانونی برای انجام کار پیشنهاد شده محروم می‌شود.

ت) ارتباط فعالیت‌های دولتی و غیردولتی: به طور کلی، نظام اقتصادی جامعه را می‌توان به دو قسمت دولتی و غیردولتی تقسیم کرد. ارتباط و تناسب این دو بخش با یکدیگر در وضعیت اقتصادی کشور اهمیت فراوانی دارد. اینکه دولت با اخذ مالیات، چه میزان از درآمدهای افراد و مؤسسات را می‌تواند به خود اختصاص دهد یا میزان هزینه‌های عمومی چه قدر باید باشد، در وضعیت اقتصادی کشور و سرعت ترقی و تکامل آن تأثیر به‌سزایی دارد.

برای مثال، اگر شرکتی ۵۰ درصد از سود حاصل را به عنوان مالیات بپردازد، مجبور است از بعضی طرح‌های توسعه خود صرف نظر کند. بنابراین، عملکرد کلی اقتصاد یک جامعه با عملکرد بخش دولتی آن ارتباط نزدیکی دارد. با روشن شدن میزان درآمدها و محدوده هزینه‌های دولت - که به وسیله بودجه انجام می‌پذیرد - این ارتباط روشن‌تر می‌شود.

بودجه از آغاز تا انجام

بودجه از زمان تهیه تا اجرا مراحل چهارگانه زیر را طی می‌کند:

۱- تنظیم و پیشنهاد بودجه: در کلیه کشورها قوه مجریه مسئول تهیه و پیشنهاد بودجه است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز به موجب اصل پنجاه و دوم قانون اساسی، بودجه سالانه کل کشور توسط دولت تهیه می‌شود و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد.

متن پیشنهادی بودجه را که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تدوین و پس از تصویب هیئت دولت به مجلس تقدیم می‌شود، «لایحه بودجه» می‌نامند. لایحه بودجه شامل یک ماده واحده و چندین تبصره است. ماده واحده رقم کل درآمدها و هزینه‌های یک سال را مشخص می‌کند و تبصره‌ها در بردارنده ضوابط و مقررات خاص مربوط به چگونگی کسب درآمد و صرف هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه هستند.

۲- تصویب بودجه: امروزه در بیشتر کشورها مجلس نمایندگان وظیفه تصویب

بودجه را به عهده دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز طبق اصل پنجاه و دوم قانون اساسی، تصویب بودجه سالانه کشور از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

طبق قانون، دولت موظف است لایحه بودجه سال بعد را تا آذرماه هر سال به مجلس تقدیم کند. لایحه بودجه ابتدا در کمیسیون بودجه مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در جلسه علنی مجلس مطرح می‌شود.

مجلس نیز طبق قانون، باید لایحه بودجه سال بعد را قبل از پایان سال تصویب کند.

۳- اجرای بودجه: پس از به تصویب رسیدن لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی، این لایحه به قانون بودجه تبدیل می‌شود که در تمامی دستگاه‌های دولتی لازم الاجراست. عملکرد مالی یک سال بخش دولتی در محدوده بودجه مصوب انجام می‌پذیرد. لازم به تذکر است که در قانون بودجه علاوه بر ماده واحده و تبصره‌ها، بودجه هر دستگاه نیز به تفکیک و به ریز مواد وجود دارد. در صورت تصویب مجلس، اعتبارات هر یک از سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی در محدوده بودجه مصوب تخصیص می‌یابد.

۴- نظارت بر اجرای بودجه: اگر چه بودجه یکی از اهرم‌های قوی هدایت اقتصاد جامعه است اما تصویب آن به تنهایی کفایت نمی‌کند و مجلس شورای اسلامی که تصویب کننده بودجه است، باید بر اجرای آن نیز نظارت داشته باشد، در غیر این صورت، تصویب بودجه اهمیت خود را از دست می‌دهد. به همین جهت، در تمام کشورها حق نظارت بر اجرای بودجه برای مجلس نمایندگان شناخته شده است. معمولاً انجام این وظیفه به عهده دیوان محاسبات است که اعضای آن را مجلس نمایندگان انتخاب می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی، دیوان محاسبات مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است.

این دیوان وظیفه دارد که به کلیه حساب‌های وزارت خانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، رسیدگی نماید تا هیچ هزینه‌ای از محل اعتبارات مصوب تجاوز نکند و هر وجهی در محل خود به مصرف برسد.

خزانه

یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های مالی که در اجرای بودجه نقشی اساسی بر عهده دارد، خزانه است. کلیه ادارات و دستگاه‌های وصول درآمد، درآمدهای خود را به خزانه مرکزی تحویل می‌دهند و ادارات پرداخت‌کننده، وجوه لازم برای پرداخت حواله‌ها را از این مرکز دریافت می‌کنند.

فعالیت ۵-۵

بودجه خانواده خود را برای یک ماه تنظیم کنید.

درآمدهای دولت

۱- مالیات‌ها

در طول تاریخ، مالیات همواره یکی از منابع درآمد دولت‌ها بوده و امروزه نیز در اکثر کشورهای جهان یکی از ابزارهای مؤثر کسب درآمد برای دولت‌هاست. تغییر و تکامل شکل مالیات به وضع درآمد و سطح زندگی افراد جامعه بستگی دارد. به عبارت دیگر، مشخصات مالیات در هر کشور تابع شرایط اجتماعی و اقتصادی آن کشور است. امروزه در اکثر کشورها قانون مالیات به وسیله مجلس نمایندگان وضع می‌شود و در صورتی که عدالت مالیاتی مورد توجه قرار گیرد، مالیات یکی از ابزارهای مؤثر در رفع نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی است.

تعریف مالیات: مالیات قسمتی از دارایی یا درآمد افراد است که توسط دولت و به موجب قانون از افراد جامعه دریافت می‌شود تا وسیله پرداخت هزینه‌های عمومی باشد یا در جهت اعمال سیاست‌های مالی کشور قرار گیرد.^۱

۱- آن دسته از خط مشی‌های دولت که با مالیات گرفتن تحقق می‌یابد، به «سیاست‌های مالی» معروف است. به عبارت دیگر، سیاست مالی به بررسی آثار مالیات بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی، همچون سطح تولید، اشتغال، درآمد و قیمت‌ها می‌پردازد.

هدف دولت‌ها از اخذ مالیات چیست؟ دولت‌ها معمولاً با سه هدف مبادرت به اخذ مالیات می‌کنند :

- ۱- مالیات برای دولت یک منبع درآمد محسوب می‌شود.
- ۲- مالیات گامی در جهت رفع نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر درآمدهاست.
- ۳- مالیات ابزاری برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است.

طبقه‌بندی مالیات‌ها

بر اساس یک طبقه‌بندی، مالیات‌ها به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند.

۱- مالیات مستقیم : مالیاتی است که به طور مستقیم از اشخاص حقیقی یا حقوقی دریافت می‌شود؛ بنابراین، اولاً پرداخت‌کننده آن مشخص است و بدین جهت، این امکان وجود دارد که از اشخاصی که درآمد و ثروت بیشتری دارند، مالیات بیشتری گرفته شود. ثانیاً پرداخت‌کننده می‌داند که چقدر مالیات می‌پردازد. این نوع مالیات شامل مالیات بر حقوق، مالیات بر ثروت و مالیات بر ارث است.

۲- مالیات غیرمستقیم : مالیاتی است که به طور غیرمستقیم از اشخاص دریافت می‌شود. به این ترتیب که پرداخت‌کننده آن ضمن پرداخت وجه برای خرید کالای مورد نیاز خود، مقداری مالیات هم می‌پردازد. به بیان دیگر، قسمتی از بهای آن کالا مالیات غیرمستقیم است. برای مثال، اگر دولت برای هر بسته سیگار ۱۰۰۰ ریال مالیات غیرمستقیم تعیین کند، وقتی شرکت دخانیات سیگار را به توزیع‌کنندگان سیگار می‌فروشد، علاوه بر قیمت اولیه سیگار، در مقابل هر بسته ۱۰۰۰ ریال هم برای پرداخت مالیاتی که باید به دولت بپردازد، اخذ می‌کند.

به این ترتیب، مصرف‌کننده نهایی با خرید هر بسته سیگار در واقع ۱۰۰۰ ریال مالیات به دولت پرداخته است. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، این است که این مالیات اگر چه از طریق شرکت دخانیات (به تعداد سیگار تولیدی) به دولت پرداخت می‌شود اما مالیات بر

شرکت دخانیات نیست بلکه مالیات بر مصرف کنندگان سیگار است و در این جا، شرکت دخانیات به عنوان مأمور وصول مالیات عمل می کند. بنابراین، مالیات غیرمستقیم دو ویژگی دارد: اولاً پرداخت کننده آن معمولاً نمی داند که چه میزان از قیمت کالایی که آن را خریداری کرده، مالیات است و در واقع، از میزان مالیات پرداختی مطلع نیست و حتی ممکن است اطلاع نداشته باشند که مالیات می پردازد. ثانیاً تمامی کسانی که یک کالا را مصرف می کنند، به نسبت مصرف خود و نه به نسبت درآمدشان مالیات می پردازند.

انواع نرخ های مالیاتی

به طور کلی، دو نوع نرخ مالیاتی وجود دارد:

۱- **نرخ ثابت مالیات:** در این نوع مالیات، میزان مالیات پرداختی افراد متناسب با تغییر در میزان درآمد یا دارایی آنها کم و زیاد می شود. به عبارت دیگر، نرخ مالیات در مقادیر مختلف درآمد و دارایی ثابت است و تغییری نمی کند. برای مثال، اگر نرخ ثابت مالیات ۱۰ درصد باشد، فردی با درآمد ماهیانه ۱۰۰ هزار ریال، ۱۰ هزار ریال مالیات می پردازد و دیگری با درآمد ماهیانه ۱ میلیون ریال، ۱۰۰ هزار ریال خواهد پرداخت.

همان گونه که ملاحظه می کنید، این نوع نرخ مالیاتی در وضع نسبی افراد در قبل و بعد از پرداخت مالیات تغییری به وجود نمی آورد. در حالی که یکی از هدف های اجتماعی اخذ مالیات، تعدیل وضعیت نسبی افراد جامعه است و این نوع مالیات چنین هدفی را تحقق نمی بخشد.

۲- **نرخ تصاعدی مالیات:** در این نظام مالیاتی، نرخ مالیات با افزایش درآمد یا دارایی زیاد و به عکس با کاهش درآمد یا دارایی کم می شود. به عبارت دیگر، افراد با درآمدهای بیشتر با نرخ بیشتر و افراد با درآمدهای پایین تر با نرخ کمتری مالیات می پردازند. نرخ تصاعدی مالیات در تعدیل درآمد و ثروت افراد جامعه مؤثر است. نرخ تصاعدی ممکن است به دو صورت اعمال شود: الف) نرخ تصاعدی کلی، ب) نرخ تصاعدی طبقه ای.

الف) **نرخ تصاعدی کلی:** در نرخ تصاعدی کلی، تمامی درآمد شخص مشمول نرخ

جدید مالیاتی می شود.

مثال: جدول مالیاتی زیر مفروض است. مالیات پرداختی توسط دو نفر را که اولی ماهیانه ۵۵۰۰۰ ریال و دومی ۵۶۰۰۰ ریال درآمد دارند، محاسبه کنید.

درآمدهای تا ۲۰۰۰۰ ریال	با نرخ ۵ درصد
درآمدهای تا ۴۰۰۰۰ ریال	با نرخ ۸ درصد
درآمدهای تا ۵۵۰۰۰ ریال	با نرخ ۱۰ درصد
درآمدهای تا و بیشتر ۷۰۰۰۰ ریال	با نرخ ۱۲ درصد

پاسخ:

بر اساس نرخ تصاعدی کلی، میزان مالیات قابل پرداخت توسط فرد اول عبارت خواهد بود از:

$$\text{ریال } ۵۵۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{۵۵۰۰۰ \times ۱۰}{۱۰۰} = ۵۵۰۰$$

و مالیات قابل پرداخت توسط فرد دوم بر این اساس عبارت است از:

$$\text{ریال } ۵۶۰۰۰ \times \frac{۱۲}{۱۰۰} = ۶۷۲۰$$

همان طور که می بینید، چون درآمد شخص اول درست در مرز ۵۵۰۰۰ ریال است، تمام درآمدش مشمول نرخ ۱۰ درصد مالیات می شود، ولی چون درآمد شخص دوم ۱۰۰۰ ریال از ۵۵۰۰۰ ریال بیشتر است، تمام درآمد او مشمول مالیات با نرخ ۱۲ درصد می شود. (ب) نرخ تصاعدی طبقه ای: در محاسبه مالیات بر اساس نرخ تصاعدی طبقه ای، برعکس تصاعد کلی با جزیی افزایش یا کاهش درآمد، مالیات به شدت تغییر نمی کند.

مثال: جدول فرضی نرخ های مالیاتی به قرار زیر است. مالیات قابل پرداخت شخصی را که ماهیانه ۴۲۰،۰۰۰ ریال درآمد دارد، محاسبه کنید.

درآمدهای تا ۱۰۰،۰۰۰ ریال در ماه از پرداخت مالیات معاف اند.
 درآمدهای تا ۲۰۰،۰۰۰ ریال در ماه با نرخ ۲ درصد نسبت به مازاد ۱۰۰،۰۰۰ ریال
 درآمدهای تا ۴۰۰،۰۰۰ ریال در ماه با نرخ ۴ درصد نسبت به مازاد ۲۰۰،۰۰۰ ریال

درآمدهای بالاتر از ۴۰۰,۰۰۰ ریال در ماه با نرخ ۶ درصد نسبت به مازاد ۴۰۰,۰۰۰ ریال درآمدی که مشمول نرخ ۲ درصد می‌شود. ریال ۱۰۰,۰۰۰ - ۲۰۰,۰۰۰ = مالیاتی که بر درآمد بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ریال تا ۲۰۰,۰۰۰ ریال تعلق می‌گیرد.

$$۱۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲}{۱۰۰} = ۲۰۰۰$$

درآمدی که مشمول نرخ ۴ درصد می‌شود. ۲۰۰,۰۰۰ - ۴۰۰,۰۰۰ = مالیاتی که بر درآمد بیش از ۲۰۰,۰۰۰ ریال تا ۴۰۰,۰۰۰ ریال تعلق می‌گیرد.

$$۲۰۰,۰۰۰ \times \frac{۴}{۱۰۰} = ۸۰۰۰ \text{ ریال}$$

درآمدی که مشمول نرخ ۶ درصد می‌شود. ۴۰۰,۰۰۰ - ۴۲۰,۰۰۰ = مالیاتی که بر درآمد بالاتر از ۴۰۰,۰۰۰ ریال تعلق می‌گیرد.

$$۲۰,۰۰۰ \times \frac{۶}{۱۰۰} = ۱۲۰۰ \text{ ریال}$$

مالیات قابل پرداخت این شخص

$$۲۰۰۰ + ۸۰۰۰ + ۱۲۰۰ = ۱۱۲۰۰$$

انواع مالیات

الف) مالیات بر درآمد: این مالیات به انواع درآمدها تعلق می‌گیرد؛ مثل مالیات بر حقوق، مالیات بر درآمد مشاغل، مالیات بر درآمد کشاورزی و مالیات بر درآمد املاک.

ب) مالیات بر دارایی: این مالیات می‌تواند به انواع دارایی - اعم از منقول و غیر منقول - همچون خانه، زمین، اتومبیل و غیره تعلق گیرد.

پ) مالیات بر نقل و انتقالات دارایی: این نوع مالیات در هنگام انجام معاملات وصول می‌شود. همچنین بر نقل و انتقال دارایی افراد (پس از مرگ آنها) به وراثت تعلق می‌گیرد که در این صورت «مالیات بر ارث» نامیده می‌شود.

ت) حقوق و عوارض گمرکی: این نوع مالیات به کالاهای صادر یا وارد شده تعلق می‌گیرد و در واقع، مالیات بر تجارت خارجی است که علاوه بر ایجاد یک منبع درآمد برای دولت، می‌تواند یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری‌های آن نیز باشد.

ث) عوارض شهرداری: اگر چه عوارض شهرداری مالیات تلقی می‌شود اما در واقع، قسمتی از بهای خدماتی است که دولت برای مردم انجام می‌دهد. شهرداری در مقابل خدماتی که ارائه می‌دهد - مانند نظافت شهر، آسفالت کردن خیابان‌ها، حفظ زیبایی شهر، ایجاد پارک‌ها و غیره - وجوهی چون عوارض اتومبیل یا عوارض نوسازی دریافت می‌دارد. این عوارض در حقیقت بخشی از بهای خدمات ارائه شده است.

۲- بهای خدمات

یکی دیگر از منابع درآمد دولت، بهای بعضی از خدماتی است که به مردم ارائه می‌دهد؛ مانند خدمات پستی، آب، برق، گاز و تلفن.

۳- سود حاصل از برخی سرمایه‌گذاری‌های دولتی

یکی دیگر از منابع درآمد دولت، سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های مولد دولتی است. سرمایه‌گذاری‌های دولتی شامل سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، زیربنایی و اجتماعی می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و اجتماعی به منظور تحکیم بنیان اقتصادی جامعه صورت می‌پذیرد و به صرف هزینه‌های هنگفت نیاز دارد و سودآور نیست اما سرمایه‌گذاری‌های مولد در مواردی سودآور است و در این صورت، یکی از منابع تأمین درآمد دولت به شمار می‌رود.

فعالیت ۶-۵

منابع درآمد دولت در کشورمان را فهرست کنید.

۴- استقراض

اگر سایر منابع درآمد، تکافوی هزینه‌های دولت را نکند، این نهاد برای جبران کسری

درآمد خود ممکن است وام بگیرد. استقراض دولت ممکن است از داخل مملکت باشد یا از خارج. البته استقراض با سایر درآمدهای دولت یک تفاوت عمده دارد و آن این است که استقراض، درآمد موقت است و در آینده دولت باید آن را بپردازد.

۵- نشر اسکناس

در صورتی که درآمد حاصل از سایر منابع و استقراض تکافوی هزینه‌های دولت را نکند، بنا به درخواست دولت، بانک مرکزی مبادرت به انتشار اسکناس جدید می‌کند که تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های دولت است. بدیهی است چنانچه اقتصاد در اشتغال کامل باشد و انتشار پول جدید با ارائه کالای جدید همراه نباشد (چون قدرت خریدی به جامعه وارد شده است که در مقابل آن کالایی وجود ندارد) تورم به همراه خواهد داشت اما اگر اقتصاد در حال رکود باشد و اشتغال کامل وجود نداشته باشد، نشر اسکناس می‌تواند باعث رونق اقتصادی شود.

فعالیت ۷-۵

اگر در میان بستگان شما به تازگی کسی معامله‌ای انجام داده (خانه یا ماشین)، بررسی کنید که چه مقدار مالیات بر نقل و انتقال داری پرداخته است.

هزینه‌های دولت

دولت وظایف متعددی برعهده دارد که برای انجام دادن آنها باید هزینه‌هایی صرف کند. به این هزینه‌ها «مخارج عمومی» گفته می‌شود؛ مثلاً وقتی دولت می‌خواهد کالایی اساسی مثل نان را به قیمت مناسب و ثابت به دست مردم برساند، ناچار است از افزایش قیمت آن جلوگیری کند و لازمه این اقدام آن است که خود گندم را نیز به قیمت ثابت از کشاورزان بخرد.

از طرفی، چنانچه در جامعه تورم وجود داشته باشد، خرید گندم به قیمت ثابت، هر

سال قدرت خرید و در نتیجه انگیزه کشاورز را برای کشت گندم کاهش می‌دهد. در این صورت، هدف دیگر دولت یعنی کسب استقلال اقتصادی که لازمه آن خودکفاشدن در تولید کالاهای اساسی و ضروری مردم است تحقق نخواهد یافت. از این رو، دولت ترجیح می‌دهد گندم را به قیمتی از کشاورز بخرد که انگیزه کشت گندم در او از بین نرود و در مقابل، آرد را به قیمتی بسیار کمتر از آنچه برای خودش تمام شده است، به نانوا بفروشد تا نان ارزان به دست مردم برسد. به این ترتیب، دولت مابه‌التفاوتی را می‌پردازد که به آن «یارانه» می‌گویند و بودجه آن از طریق مخارج عمومی دولت تأمین می‌شود.

نمونه دیگری از مخارج دولت‌ها، هزینه‌ای است که صرف گسترش تعلیم و تربیت، توسعه بهداشت و مبارزه با بیماری‌ها می‌شود. دولت‌ها خود را ملزم به ساخت مدارس و توسعه شبکه بهداشتی می‌دانند و بدیهی است که پرداخت یارانه و ساختن مدارس و بیمارستان برای آنها هزینه دربردارد. همچنین کارمندان و کارکنانی که برای ارائه خدمات مختلف به مردم، به استخدام دولت درمی‌آیند، در پایان هر ماه حقوق می‌گیرند. هزینه‌های پرداخت حقوق که به «هزینه‌های پرسنلی» معروف است، از اقلام عمده هزینه‌های دولت به شمار می‌رود. به هر حال، انجام هر یک از وظایف دولت مستلزم صرف هزینه است و هزینه‌های دولتی یا «مخارج عمومی» در واقع بهای استفاده از کالاها و خدماتی است که دولت برای انجام وظایف خود به آنها نیاز دارد. از دیگر مخارج دولت کمک به کسانی است که در اثر بروز حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله آسیب می‌بینند.

طبقه‌بندی مخارج دولتی

معمولاً هزینه‌های دولت را به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند: هزینه‌های جاری و هزینه‌های سرمایه‌ای.

الف) هزینه‌های جاری یا عادی: هزینه‌هایی هستند که به طور دائم وجود دارند و متناسب با سیاست‌های دولت تغییر می‌یابند. با توجه به رشد جمعیت و افزایش درآمد جامعه در طی زمان، کمتر موردی پیش می‌آید که هزینه‌های جاری سیر نزولی داشته باشند.

هزینه‌های جاری را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی کرد :

۱- هزینه‌های پرسنلی : این هزینه‌ها شامل حقوق و مزایای کلیه کارکنان و کارمندان ادارات دولتی و سایر سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت است؛ مانند حقوق و مزایای نظامیان، معلمان، قضات و نمایندگان مجلس.

۲- هزینه‌های اداری : هزینه‌هایی است که برای چرخش کار جاری ادارات و نهادها صرف می‌شود؛ مانند هزینه‌های حمل و نقل، اجاره، آب و برق، تلفن و ملزومات اداری مانند کاغذ و قلم.

۳- پرداخت‌های انتقالی : هزینه‌هایی است که دولت به منظور تأمین اجتماعی، ایجاد توازن اجتماعی و رفع نابرابری‌ها صرف می‌کند؛ مانند : حقوق ایام بی‌کاری و از کارافتادگی، کمک به کسانی که در اثر حوادث طبیعی آسیب می‌بینند، پرداخت به روستاییان تحت پوشش طرح شهید رجایی^۱ و یارانه‌ای که دولت به منظور ثابت نگاه داشتن قیمت‌ها و عرضه کالاهای اساسی مثل (نان، قند، شکر و روغن نباتی) به قیمت ارزان می‌پردازد.

ب) هزینه‌های سرمایه‌ای یا عمرانی : دولت علاوه بر هزینه‌های جاری، هزینه‌های دیگری نیز دارد مانند هزینه‌های ساخت سدها، جاده‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها، خرید ماشین‌آلاتی مانند بلدوزر و احداث کارخانه‌هایی چون کارخانه پتروشیمی و فولادسازی، همان‌گونه که می‌بینید، عمر این گونه تأسیسات بیش از یک سال است.

به آن دسته از هزینه‌های دولتی که صرف احداث بنا یا خرید کالاهایی می‌شود که با بقای اصل آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند، هزینه‌های سرمایه‌ای دولت می‌گویند.^۲

گاهی هزینه‌های سرمایه‌ای صرف خرید ماشین‌آلات و تجهیزاتی می‌شود که می‌توانند به سرعت مورد استفاده قرار گیرند. گاه نیز سرمایه‌گذاری جدید در امور ساختمان، سدسازی و زمینه‌های دیگری از این قبیل صورت می‌گیرد که عواید آن ممکن است چندین سال بعد

۱- طرحی است که به موجب آن طبق قانون، ماهیانه مبلغی به صورت جنسی یا نقدی بطور بلاعوض به روستاییان بالاتر از ۶۰ سال داده می‌شود.

۲- باید توجه داشت که علاوه بر بخش دولتی، بخش‌های خصوصی و تعاونی نیز مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کنند ولی ما در این فصل تنها به بررسی هزینه‌های عمرانی دولت می‌پردازیم.

نصیب جامعه شود. یکی از ضرورت‌های سرمایه‌گذاری جدید آن است که هر سال بخشی از سرمایه‌های جامعه مستهلک می‌شود؛ مثلاً برای بلدوزری که ۱۰ سال عمر مفید دارد، یعنی به طور متوسط هر سال $\frac{1}{10}$ آن مستهلک می‌شود، هر سال ۱۰ درصد استهلاک در نظر می‌گیرند و در نتیجه، معادل آن را سرمایه‌گذاری می‌کنند.

هزینه‌های سرمایه‌ای را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد :

۱- سرمایه‌گذاری‌های مولد : این گونه سرمایه‌گذاری‌های دولتی باعث ایجاد و استقرار کارخانه‌ها و صنایعی می‌شود که خدمات و کالاهای نهایی مورد نیاز مردم را تولید می‌کنند؛ مانند کارخانجات نساجی، اتومبیل‌سازی و مواد غذایی.



۲- سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی : اگرچه این گونه سرمایه‌گذاری‌ها مستقیماً به تولید کالاها و خدمات نمی‌انجامد اما باعث تقویت بنیه اقتصادی کشور می‌شود و برای به ثمر رسیدن سایر فعالیت‌های اقتصادی بسیار ضروری است. می‌دانیم که اگر آب نباشد، کشاورزی امکان‌پذیر نیست و بدون برق، صنعت معنایی ندارد. همچنین جاده و خطوط آهن مناسب لازم است تا کالاهای تولید شده به سرعت به دست مصرف‌کنندگان برسد؛ بنابراین، هزینه‌های سرمایه‌گذاری زیربنایی که صرف ساخت و احداث جاده‌ها، خطوط

راه آهن، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و کارهایی از این قبیل می‌شود، لازمه بهره‌برداری مطلوب از فعالیت‌های اقتصادی است.



۳- سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی: این سرمایه‌گذاری‌ها نیز همچون سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مستقیماً به تولید کالا منجر نمی‌شوند بلکه زمینه لازم را برای تولید سایر کالاها فراهم می‌سازند؛ مانند سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و آموزش عالی^۱. می‌دانیم که محور تولید، انسان و تفکر اوست؛ بنابراین، در اهمیت سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی همین بس که زمینه را برای تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در رشته‌های مختلف فراهم می‌سازد.



۱- بسیاری از دانشمندان اقتصاد معتقدند که باید تمامی هزینه‌های تربیت نیروی انسانی را به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری منظور کنیم (نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس و دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها را).

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین سرمایه‌گذاری دولت سرمایه‌گذاری اجتماعی است؛ زیرا بدون داشتن نیروهای متخصص و متعهد انجام سایر سرمایه‌گذاری‌ها و کسب استقلال اقتصادی میسر نخواهد بود.

اکثر محققان رشته اقتصاد توسعه معتقدند که سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و پرورش مستقیماً باعث افزایش تولید جامعه می‌شود. بر این اساس، تفاوت فاحش بین کشورهای صنعتی با کشورهای جهان سوم، از نظر پیشرفت اقتصادی، در درجه اول ناشی از میزان برخورداری کشورهای پیشرفته صنعتی از نیروهای متخصص و در درجه دوم، به دلیل گسترش علم و دانش در این گونه جوامع است.

فعالیت ۸-۵

آثار اقتصادی، هزینه‌های صرف شده در آموزش نیروی انسانی (مثلاً برای یک پزشک) کدام‌اند؟

(ب) برای جامعه

(الف) برای فرد

پرسش

- ۱- به نظر شما بودجه و صورت حساب چه تفاوتی با هم دارند؟
- ۲- چگونه می‌توان اهداف دولت را به وسیله بودجه ارزیابی کرد؟
- ۳- چه تفاوتی بین لایحه بودجه و قانون بودجه وجود دارد؟
- ۴- نظارت بر اجرای بودجه به عهده کدام ارگان است و چگونه صورت می‌گیرد؟
- ۵- ویژگی‌های مالیات غیرمستقیم را ذکر کنید.
- ۶- در چه شرایطی نشر اسکناس باعث تورم می‌شود؟
- ۷- یارانه چیست و چرا دولت یارانه می‌پردازد؟
- ۸- چرا عده‌ای معتقدند که سرمایه‌گذاری اجتماعی مهم‌ترین سرمایه‌گذاری

دولت است؟